

گزارش

برگزاری اجلاس همکاری‌های اقتصادی «رکا»

پیام متفاوت «کابل»

فربیا پژوه

● کابل در دو روز گذشته شاهد برگزاری نشست همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای، موسوم به «رکا» بود. نمایندگان بیش از ۷۰ کشور و سازمان بین‌المللی برای برگزاری ششمین نشست همکاری‌های اقتصادی منطقه با هدف مشارکت به‌منظور بازسازی افغانستان در کابل گردهم آمده بودند. «رضا رحمانی فضل»، وزیر کشور، نیز به نمایندگی از ایران در این نشست حضور داشت. نخستین نشست «رکا» در سال ۲۰۰۵ در کابل برگزار شد و پس از آن این نشست هر دو سال یک‌بار در یکی از کشورهای هند، پاکستان، ترکیه و تاجیکستان برگزار می‌شود. به‌گفته حکومت وحدت ملی افغانستان، مذاکرات این اجلاس پیرامون سه موضوع همکاری‌های منطقه‌ای در استفاده از انرژی و منابع طبیعی، اتصال کشورهای از طریق راه‌آهن و بزرگراه‌ها و تقویت همکاری بین نهادهای خصوصی در زمینه تجارت و صنایع بوده است. وزارت خارجه افغانستان اعلام کرد این اجلاس دربرابر حمایت مالی از پروژه‌هایی که در افغانستان اجرا می‌شوند، بحث نمی‌کند، بلکه هدف آن جلب علاقه کشورهای برای هم‌خوانی پروژه‌ها با فرصت‌های موجود در کشورهای عضو است. تقویت بنادر، امکانات ترانزیتی و تطبیق پروژه خط آهن بین چین، قرقیزستان، تاجیکستان، افغانستان و ایران و پروژه خط آهن بین تاجیکستان، افغانستان و ترکمنستان و همچنین پروژه راه لاجورد که افغانستان را از راه ترکمنستان به دریای خزر، گرجستان و اروپا وصل می‌کند، ازجمله موضوعاتی هستند که در این اجلاس به بحث گذاشته شد. «اشرف‌غنی»، رئیس‌جمهور افغانستان، در این نشست با اشاره به فرصت‌های سرمایه‌گذاری در افغانستان بر گسترش روابط اقتصادی میان افغانستان و کشورهای منطقه تاکید کرد. او به جایگاه جغرافیایی افغانستان بین کشورهای منطقه اشاره کرد و گفت این کشور می‌تواند بخشی از راه‌های مهم اقتصادی کشورهای منطقه برای وصل‌کردن آنها باشد. رئیس‌جمهور افغانستان ابراز امیدواری کرد در آینده نزدیک شاهد پایان جنگ در منطقه باشیم و آسیا یک‌بار دیگر به یک قاره مهم اقتصادی تبدیل شود و افغانستان نیز بار دیگر نقطه وصل کشورها و مردم در منطقه باشد. او همچنین از پیشرفت‌های اقتصادی در کشورش در زمینه‌های مختلف یاد کرد و همکاری‌های کشورهای منطقه را برای بهبود اقتصاد این منطقه لازم دانست. او همچنین برای تأمین ثبات در منطقه، از کشورهای مسلمان خواست با جرئت و شجاعت کامل مخالفت مسلمانان را با ترور و جنگ اعلام کنند. حکومت وحدت ملی برای برگزاری این نشست بین‌المللی در کابل تدابیر امنیتی شدیدر در نظر گرفته بود، چنانکه کابل امروز و یک روز پس از برگزاری این اجلاس همچنان تعطیل است. به نظر می‌رسد اهمیت برگزاری چنین اجلاس بین‌المللی‌ای در پایتخت افغانستان نیز همین مسئله باشد. در چند ماه گذشته طالبان و گروه‌های تروریستی سعی داشتند با ناامن‌سازی کابل، مانع ورود هیات‌های بلندپایه کشورهای منطقه و جهان به افغانستان شوند و یکی از عوامل حملات تروریستی اخیر به کابل نیز همین موضوع بوده است. گسترش همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای به سود تروریست‌ها نیست و هر قدر همکاری دولت‌ها و بخش‌های خصوصی کشورهای منطقه افزایش یابد، عرصه بر فعالیت گروه‌های تندرو و منطقه‌ای و بین‌المللی تنگ‌تر می‌شود. «عبداله آزاد خنجانی»، رئیس «تلویزیون یک» افغانستان، در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به این مسئله می‌گوید برگزاری نشست «رکا» در کابل از چند نظر برای افغانستان اهمیت دارد: نخست اینکه، تصویر موجود از کابل در بیرون از افغانستان، شهر انتحار و انفجار است و برگزاری چنین نشستی در کابل می‌تواند پیام متفاوت‌تری برای مردم و مقامات ارشد کشورهای منطقه داشته باشد. همچنین به گفته خنجانی، حضور مقامات ارشد کشورهای منطقه می‌تواند فرصتی برای کابل فراهم کند تا بار دیگر بتواند خواسته‌هایش را برای کشورهای منطقه مطرح کند و مسئله بعد این است که «رکا» تریبونی برای طرح برنامه‌های منطقه‌ای است. این‌گونه نشست‌ها می‌توانند زمینه همکاری‌های مشترک را به وجود آورند و باعث ایجاد مکانیزیم‌های مشترک منطقه‌ای و تقویت همکاری‌های بیشتر اقتصادی شوند.

سوریه، عراق و یمن در خون غوطه‌ورند، قیمت‌های جهانی نفت در حال سقوط است و توافق هسته‌ای شش قدرت جهانی به رهبری ایالات متحده با ایران، به‌سختی در تلاش است تا از راه‌روهای کنگره مجلس به سلامت عبور کند. در نتیجه جای تعجب نیست که چنین آشوبکده‌ای، کارشناسان و البته بسیاری از رهبران منطقه‌ای را نسبت به پایداری مناسبات سنتی بین‌المللی مردد کند. در این میان، رابطه خاندان سعود با رهبران آمریکا، همان مظنون همیشگی، است که برای دیگر استراتژیست‌های جهانی را چشم‌انتظار تغییر گذاشته است؛ رابطه‌ای که درست چند ماه پیش از پایان جنگ جهانی دوم و در قالب دیدار رسمی رهبران دو کشور پا گرفت، اما هیچ بحران و تحول منطقه‌ای در ۷۰ سال آتی نیز خم به ابروی آن نیاورد. این همان واقعیتی است که می‌رود تا برای دیگر کارشناسان امور بین‌الملل را انگشت‌به‌دهان بگذارد، حتی اگر سرمایه‌گذاری‌های ده‌ها میلیارد دلاری خاندان سعود در اقتصاد تحریم‌شده روسیه و توافق کرملین برای فروش مستقیم تسلیحات موسکی به ریاض و توسعه و نگهداری ۱۶ راکتور هسته‌ای در آن کشور، تغییر محور استراتژیک ائتلاف سعودی را به ذهن متبادر کند.

سفر سه‌روزه «ملک سلمان» پادشاه عربستان سعودی به واشنگتن، که شامل دیدار با «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری ایالات متحده نیز خواهد بود، از همین درجه قابل‌تفسیر است؛ سفری که اگرچه در بزنگاهی حساس و تاریخی در روابط دو کشور صورت گرفته است، اما بیش از هر چیز بر ثبات و استحکام این زنجیره اسلحه و سرمایه حکایت دارد. عربستان سعودی تاکنون هیچ‌گاه از بیان ناراضیاتی‌های خود نسبت به سیاست‌های باراک اوباما در قبال منازعات منطقه‌ای و مداخلات محدودشده آن کشور در خاورمیانه فروگذار نکرده است؛ ناراضیاتی‌ای که پس از آن شدت گرفت که ایالات متحده حتی پس از شکست خط قرمزهایش در

سعید شمس: شیخ سلمان که چندی پیش از سفر به ایالات‌متحده آمریکا منصرف شده بود، حالا در واشگتن به سر می‌برد تا شاید در دیدار با «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری آمریکا راهکارهایی برای راهایی از مشکلات پیش آمده پیدا کند؛ مسائلی چون توافق هسته‌ای ایران با غرب، جنگ ادامه‌دار در یمن و البته مشکلات امنیتی و سیاسی داخلی که این‌روزها آرامش را بر پادشاه عربستان‌سعودی درحالی‌که ریاست‌هش پنجم ساله شده، حرام کرده است. باید منتظر ماند و دید سفر پر حرف و حدیث سلمان و همچنین دیدارش با رئیس‌جمهوری آمریکا چه دستاورد و پیامدهایی برای عربستان‌سعودی در این مقطع حساس خواهد داشت. «آمریکا هیچ‌گاه نمی‌پذیرد که عربستان در راستای تحرکات منطقه‌ای با اسرائیل هم صدا شود و توافق هسته‌ای یا هر مسئله دیگری را تحت‌تاثیر اهداف خود درآورد؛ به همین دلیل اوباما به دنبال راهی است تا شیخ سلمان را از تداوم چنین رویکردی منع کند». حسین رویوران، کارشناس ارشد خاورمیانه با بیان این سخنان به پرسش‌های «شرق» پاسخ می‌گوید:

❧ **سفر شیخ سلمان به آمریکا و البته دیدار پادشاه عربستان با باراک اوباما را در مقطعی که حساسیت‌های خاصی دارد، چطور می‌توان تحلیل کرد؟**
این سفر، سفری مهم است، چون زمانی این سفر انجام می‌شود که دو کشور در مسئله توافق هسته‌ای اختلاف‌نظری جدی دارند، به‌طوری که ایالات‌متحده این اتفاق را در راستای گسترش امنیت منطقه خاورمیانه می‌داند. در حالی‌که عربستان بر این باور است که این توافق جایگاه ایران را در عرصه جهانی تقویت می‌کند و «بی‌ثباتی» را در منطقه به وجود می‌آورد. به همین دلیل عربستان و اسرائیل هماهنگی‌هایی را در این بحث آغاز کرده‌اند، البته با این تفاوت که اسرائیل توان رویارویی با آمریکا را دارد و عربستان نه؛ به همین دلیل سعودی‌ها پشت ریزیم جمهوریستیی قرار گرفته‌اند تا بتوانند از این

تصویر جسد کودکی که در سواحل ترکیه با کفش و پیراهنی قرمز روی شن‌ها آرام گرفته بود، به‌سرعت رسانه‌های اجتماعی را پر کرد. خبرگزاری رویترز اعلام کرد این تصویر مربوط به یک کودک آواره سوری به اسم «ایلان کردی» از شهر کوبانی است. ایلان به همراه برادر پنج‌ساله خود به اسم «غالب» و مادرش ریحان ۳۵ ساله و پدرش، بعد از فرار از جنگ در کوبانی واقع در شمال سوریه قصد داشتند تا از طریق سواحل ترکیه به یونان مهاجرت کنند اما قایق آنها در سواحل ترکیه غرق شد. برادر و مادر ایلان نیز در این حادثه دلخراش غرق شدند ولی پدر خانواده زنده مانده است.

«عبدالله» پدر ایلان کردی، گفت: کمی پس از آن که قایقشان ترکیه را به مقصد یونان ترک کرد، گرفتار امواج شدند و کسی که هدایت قایق را به عهده داشت شانگنا آتان را رها کرد و رفت. عبدالله کردی افزود: «سعی کردم بچه‌ها و زنم را بگیرم، اما امیدی نبود. یکی‌یکی مردند». عبدالله کردی درباره مرگ خانواده‌اش گفت: «سعی

جهان



آمریکا و عربستان در اندیشه تقویت روابط دوجانبه

کلاف امن منافع

نیروی هوایی عربستان سعودی در شرایطی با اتکا به تجهیزات و اطلاعات لجستیک ایالات متحده، به گمان خود درصد بازگرداندن دولت مشروع یمن به صدر حاکمیت است که مشارکت هم‌زمان آن در ائتلاف ضد داعش، می‌تواند نقش بسزایی در بازگرداندن آرامش به عراق و سوریه بحران‌زده ایفا کند. در این میان اما حلقه گمشده پیوند راهبردی دو کشور، حمایت و پشتیبانی ریاض از آن دست گروه‌ها و بعضا سازمان‌های مخالفی است که نه برای امروز، بلکه در فردای کارزارها تعیین‌کننده خواهند بود؛ حلقه‌ای گمشده که بیش از آنکه مؤید شکافی جدی در سیاست‌های خارجه دو کشور باشد، از سوءتفاهمات جاری و واهمه ایالات متحده

سوریه سرباز زد.

اما حقیقت آن است که سوءتفاهم‌های جاری

و البته تا حدودی کم‌رنگ‌شده پیرامون سهم‌بندی و آرایش جدید قدرت در منطقه خاورمیانه، تنها به یارای رقابت با منافع مشترک راهبردی، اقتصادی

و ژئوپلیتیک دو کشور را ندارد، بلکه بدون شک می‌تواند زیربنای تقویتی هرگونه همکاری درازمدت باشد. بحران داخلی یمن که البته به یمن مداخلات خارجی به میدان جنگی در سطح بین‌الملل بدل شده است، یکی از این محورهای ستیز است که در سایه همکاری‌های مضاعف دو کشور در زمینه‌های امنیتی و نظامی، محالی برای تقویت هرچه‌بیشتر روابط است.

حسین رویوران، کارشناس خاورمیانه، در گفت‌وگو با «شرق»:

سفر «سلمان» نشانه تحت‌فشاربودن عربستان است



طریق اهداف خود را محقق کنند.

❧ **همراهی با اسرائیل می‌تواند فضای بین عربستان و آمریکا را مخدوش کند؟**

صددرصد! از طرف آمریکا به هیچ‌وجه قابل‌قبول نیست که عربستان در راستای تحرکات منطقه‌ای با اسرائیل هم‌صدا شود تا توافق هسته‌ای یا هر مسئله دیگری را تحت‌تاثیر اهداف خود قرار دهند. به همین دلیل اوباما دنبال راهی است تا شیخ سلمان را از تداوم چنین رویکردی منع کند که سفر او به ایالات‌متحده این امکان را برای کاخ سفید فراهم می‌کند.

❧ **درباره بحث یمن چطور؟ برای اوباما چقدر مهم است که این مسئله به نوعی حل شود؟**

درباره رئیس‌جمهوری آمریکا باید این‌طور گفت که از مانیفست ضدجنگ حمایت می‌کند و رای‌هایی هم که او را کاخ سفیدنشین کردند، ریشه در وعده عقب‌نشینی از عراق و افغانستان داشت. پس نباید از جنگ در یمن راضی

کودک سوری در «کوبانی» آرام گرفت

زیباترین غریق جهان

بوردوم افتاده، موجی از همدردی با پناهجویان سوری در برانیکخته است. بسیاری از دولت‌های اروپایی انتقاد می‌کنند که برای کمک به حل این بحران به اندازه کافی تلاش نکرده‌اند. روز جمعه نیز «الجزیره» خبر داد که پیکر این کودک سه‌ساله به همراه برادر و مادرش برای تدفین به کوبانی فرستاده شده است. روزنامه «ایندپندنت» نیز نوشت: اگر تصویر این کودک موضع کشورهای اروپایی را در قبال آوارگان تغییر ندهد پس چه چیزی آن را تغییر می‌دهد. سازمان پزشکان بدون مرز می‌گوید ناوهای این سازمان امدادرسان، با کمک نیروی دریایی ایتالیا هزار و ۲۰۰ پناه‌جو را از سواحل لیبی نجات داده‌اند. در همین حال بیش از چهار هزار مهاجر و پناه‌جو از شبانه‌روز گذشته وارد یونان شده‌اند. در اتریش، پلیس این کشور ۲۴ تبعه افغانستان را که در کامیونی سرپوشیده و بدون جریان هوا بودند، نجات داده و گفته است این افراد در شرف خفگی بودند. این در حالی است که صدها پناه‌جو در مجارستان برای دومین روز متوالی به تصمیم مقام‌های این کشور برای جلوگیری از سفر آنها به آلمان و سایر کشورهای اروپایی اعتراض کردند.

کشورهای عضو اتحادیه اروپا هنوز برای اجرای یک سیاست واحد در قبال این پناهجویان اشتراک نظر ندارند؛ . در تحولی جدید، به دنبال درخواست دولت آلمان، در مرزهای ایتالیا و اتریش از این پس کنترل‌های مرزی صورت می‌گیرد. «یوید کامرون»، نخست‌وزیر بریتانیا به سفر به پرتغال اعلام کرد که هزاران آواره سوری در بریتانیا پذیرفته خواهند شد. او در لیسبون گفت تاکنون و در چهار سال گذشته، به پنج هزار شهروند سوری در بریتانیا پناهنده‌گی داده شده است. کامرون که کشورش تاکنون تنها پناه‌دادن به ۲۱۶ جنگ‌زده سوری را تقبل

نسبت به شعله‌ورشدن آتش نزاع شیعه و سنی در سطحی گسترده‌تر نشست می‌گیرد. این درست همان جایی است که اطمینان‌بخشی کاخ سفید به همتای سعودی خود درباره ابعاد و پیامدهای توافق هسته‌ای با ایران می‌تواند راهگشا باشد. با تمام این اوصاف و در شرایطی که قیمت جهانی باین نفت، اقتصاد شبه‌جزیره را به‌شدت تحت‌تاثیر قرار داده، به نظر می‌رسد رئیس‌جمهوری آمریکا کار چندان سختی در متقاعدکردن رهبران سعود ندارد. چشم‌انداز رشد قیمت‌های جهانی نفت در سایه تغییر رویکرد آمریکا در استخراج نفت شیل، از هم درست زمانی که محدودیت‌های جاری بر تخصیص بودجه دفاعی از سوی کنگره، ایالات متحده را بیش از هر زمان دیگری نگران بازارهای بالقوه تسلیحاتی خود کرده است، چنان وسوسه‌کننده است که احتمالاً خاندان سعود را مجاب خواهد کرد چشم بر فروپاشی تک‌قطبی راهبردی خود ببندد.

با تمام این اوصاف و درحالی‌که چراغ سبز ریاض به مسکو بسیار پرسوتر از آن است که نادیده گرفته شود، «جیمز راسل» استاد امنیت ملی در دانشگاه آمریکایی نیروی دریایی بر این باور است؛ در نهایت این حفظ و تقویت رابطه با ایالات متحده است که برای رهبران و سیاست‌گذاران سعودی حائز بیشترین اهمیت است. راسل با اشاره به سودای همیشگی خاندان سعود برای شکوفاسازی روابط امنیتی با بیشترین قدرت‌های منطقه‌ای، می‌گوید هوشیاری در عدم تحریک طرف آمریکایی که می‌تواند عواقب اقتصادی و چسباً حقوقی فراوانی برای این خاندان به همراه داشته باشد، نیز از اصول اولیه سیاست خارجه ریاض محسوب می‌شود. بنابراین، حالا که رهبران دو کشور برای حل سوءتفاهمات گردهم آمده‌اند، بهتر است قبول کنیم که رابطه عربستان سعودی با ایالات متحده و چتر امنیتی و تسلیحاتی حاصل از آن، به این سهولت از هم گسته نخواهد شد.

سوریه، عراق و یمن در خون غوطه‌ورند، قیمت‌های جهانی نفت در حال سقوط است و توافق هسته‌ای شش قدرت جهانی به رهبری ایالات متحده با ایران، به‌سختی در تلاش است تا از راه‌روهای کنگره مجلس به سلامت عبور کند. در نتیجه جای تعجب نیست که چنین آشوبکده‌ای، کارشناسان و البته بسیاری از رهبران منطقه‌ای را نسبت به پایداری مناسبات سنتی بین‌المللی مردد کند. در این میان، رابطه خاندان سعود با رهبران آمریکا، همان مظنون همیشگی، است که برای دیگر استراتژیست‌های جهانی را چشم‌انتظار تغییر گذاشته است؛ رابطه‌ای که درست چند ماه پیش از پایان جنگ جهانی دوم و در قالب دیدار رسمی رهبران دو کشور پا گرفت، اما هیچ بحران و تحول منطقه‌ای در ۷۰ سال آتی نیز خم به ابروی آن نیاورد. این همان واقعیتی است که می‌رود تا برای دیگر کارشناسان امور بین‌الملل را انگشت‌به‌دهان بگذارد، حتی اگر سرمایه‌گذاری‌های ده‌ها میلیارد دلاری خاندان سعود در اقتصاد تحریم‌شده روسیه و توافق کرملین برای فروش مستقیم تسلیحات موسکی به ریاض و توسعه و نگهداری ۱۶ راکتور هسته‌ای در آن کشور، تغییر محور استراتژیک ائتلاف سعودی را به ذهن متبادر کند.

سفر سه‌روزه «ملک سلمان» پادشاه عربستان سعودی به واشنگتن، که شامل دیدار با «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری ایالات متحده نیز خواهد بود، از همین درجه قابل‌تفسیر است؛ سفری که اگرچه در بزنگاهی حساس و تاریخی در روابط دو کشور صورت گرفته است، اما بیش از هر چیز بر ثبات و استحکام این زنجیره اسلحه و سرمایه حکایت دارد. عربستان سعودی تاکنون هیچ‌گاه از بیان ناراضیاتی‌های خود نسبت به سیاست‌های باراک اوباما در قبال منازعات منطقه‌ای و مداخلات محدودشده آن کشور در خاورمیانه فروگذار نکرده است؛ ناراضیاتی‌ای که پس از آن شدت گرفت که ایالات متحده حتی پس از شکست خط قرمزهایش در

سعید شمس: شیخ سلمان که چندی پیش از سفر به ایالات‌متحده آمریکا منصرف شده بود، حالا در واشگتن به سر می‌برد تا شاید در دیدار با «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری آمریکا راهکارهایی برای راهایی از مشکلات پیش آمده پیدا کند؛ مسائلی چون توافق هسته‌ای ایران با غرب، جنگ ادامه‌دار در یمن و البته مشکلات امنیتی و سیاسی داخلی که این‌روزها آرامش را بر پادشاه عربستان‌سعودی درحالی‌که ریاست‌هش پنجم ساله شده، حرام کرده است. باید منتظر ماند و دید سفر پر حرف و حدیث سلمان و همچنین دیدارش با رئیس‌جمهوری آمریکا چه دستاورد و پیامدهایی برای عربستان‌سعودی در این مقطع حساس خواهد داشت. «آمریکا هیچ‌گاه نمی‌پذیرد که عربستان در راستای تحرکات منطقه‌ای با اسرائیل هم صدا شود و توافق هسته‌ای یا هر مسئله دیگری را تحت‌تاثیر اهداف خود درآورد؛ به همین دلیل اوباما به دنبال راهی است تا شیخ سلمان را از تداوم چنین رویکردی منع کند». حسین رویوران، کارشناس ارشد خاورمیانه با بیان این سخنان به پرسش‌های «شرق» پاسخ می‌گوید:

❧ **سفر شیخ سلمان به آمریکا و البته دیدار پادشاه عربستان با باراک اوباما را در مقطعی که حساسیت‌های خاصی دارد، چطور می‌توان تحلیل کرد؟**
این سفر، سفری مهم است، چون زمانی این سفر انجام می‌شود که دو کشور در مسئله توافق هسته‌ای اختلاف‌نظری جدی دارند، به‌طوری که ایالات‌متحده این اتفاق را در راستای گسترش امنیت منطقه خاورمیانه می‌داند. در حالی‌که عربستان بر این باور است که این توافق جایگاه ایران را در عرصه جهانی تقویت می‌کند و «بی‌ثباتی» را در منطقه به وجود می‌آورد. به همین دلیل عربستان و اسرائیل هماهنگی‌هایی را در این بحث آغاز کرده‌اند، البته با این تفاوت که اسرائیل توان رویارویی با آمریکا را دارد و عربستان نه؛ به همین دلیل سعودی‌ها پشت ریزیم جمهوریستیی قرار گرفته‌اند تا بتوانند از این

❧ **سفر شیخ سلمان به آمریکا و البته دیدار پادشاه عربستان با باراک اوباما را در مقطعی که حساسیت‌های خاصی دارد، چطور می‌توان تحلیل کرد؟**
این سفر، سفری مهم است، چون زمانی این سفر انجام می‌شود که دو کشور در مسئله توافق هسته‌ای اختلاف‌نظری جدی دارند، به‌طوری که ایالات‌متحده این اتفاق را در راستای گسترش امنیت منطقه خاورمیانه می‌داند. در حالی‌که عربستان بر این باور است که این توافق جایگاه ایران را در عرصه جهانی تقویت می‌کند و «بی‌ثباتی» را در منطقه به وجود می‌آورد. به همین دلیل عربستان و اسرائیل هماهنگی‌هایی را در این بحث آغاز کرده‌اند، البته با این تفاوت که اسرائیل توان رویارویی با آمریکا را دارد و عربستان نه؛ به همین دلیل سعودی‌ها پشت ریزیم جمهوریستیی قرار گرفته‌اند تا بتوانند از این

❧ **سفر شیخ سلمان به آمریکا و البته دیدار پادشاه عربستان با باراک اوباما را در مقطعی که حساسیت‌های خاصی دارد، چطور می‌توان تحلیل کرد؟**
این سفر، سفری مهم است، چون زمانی این سفر انجام می‌شود که دو کشور در مسئله توافق هسته‌ای اختلاف‌نظری جدی دارند، به‌طوری که ایالات‌متحده این اتفاق را در راستای گسترش امنیت منطقه خاورمیانه می‌داند. در حالی‌که عربستان بر این باور است که این توافق جایگاه ایران را در عرصه جهانی تقویت می‌کند و «بی‌ثباتی» را در منطقه به وجود می‌آورد. به همین دلیل عربستان و اسرائیل هماهنگی‌هایی را در این بحث آغاز کرده‌اند، البته با این تفاوت که اسرائیل توان رویارویی با آمریکا را دارد و عربستان نه؛ به همین دلیل سعودی‌ها پشت ریزیم جمهوریستیی قرار گرفته‌اند تا بتوانند از این

❧ **سفر شیخ سلمان به آمریکا و البته دیدار پادشاه عربستان با باراک اوباما را در مقطعی که حساسیت‌های خاصی دارد، چطور می‌توان تحلیل کرد؟**
این سفر، سفری مهم است، چون زمانی این سفر انجام می‌شود که دو کشور در مسئله توافق هسته‌ای اختلاف‌نظری جدی دارند، به‌طوری که ایالات‌متحده این اتفاق را در راستای گسترش امنیت منطقه خاورمیانه می‌داند. در حالی‌که عربستان بر این باور است که این توافق جایگاه ایران را در عرصه جهانی تقویت می‌کند و «بی‌ثباتی» را در منطقه به وجود می‌آورد. به همین دلیل عربستان و اسرائیل هماهنگی‌هایی را در این بحث آغاز کرده‌اند، البته با این تفاوت که اسرائیل توان رویارویی با آمریکا را دارد و عربستان نه؛ به همین دلیل سعودی‌ها پشت ریزیم جمهوریستیی قرار گرفته‌اند تا بتوانند از این

❧ **سفر شیخ سلمان به آمریکا و البته دیدار پادشاه عربستان با باراک اوباما را در مقطعی که حساسیت‌های خاصی دارد، چطور می‌توان تحلیل کرد؟**
این سفر، سفری مهم است، چون زمانی این سفر انجام می‌شود که دو کشور در مسئله توافق هسته‌ای اختلاف‌نظری جدی دارند، به‌طوری که ایالات‌متحده این اتفاق را در راستای گسترش امنیت منطقه خاورمیانه می‌داند. در حالی‌که عربستان بر این باور است که این توافق جایگاه ایران را در عرصه جهانی تقویت می‌کند و «بی‌ثباتی» را در منطقه به وجود می‌آورد. به همین دلیل عربستان و اسرائیل هماهنگی‌هایی را در این بحث آغاز کرده‌اند، البته با این تفاوت که اسرائیل توان رویارویی با آمریکا را دارد و عربستان نه؛ به همین دلیل سعودی‌ها پشت ریزیم جمهوریستیی قرار گرفته‌اند تا بتوانند از این

نگاه

اعراب سرگردان بین آمریکا و روسیه

این‌روزها اعراب به مسکو می‌روند؛ همچنان‌که

روس‌ها در سفرهای خود، اعراب را در اولویت قرار می‌دهند؛ گویی با هم منافع مشترکی دارند و به‌دنبال ایجاد روابطی جدید و متفاوتی نیز هستند. اما واقعیت این است فقط آنان نیستند که چنین رویکردی دارند. اولویت تمامی تصمیم‌گیرندگان خاورمیانه و بازیگران منطقه‌ای فرق و صحنه استراتژیک منطقه به‌کلی تغییر کرده است: کشورهای عربی نظام‌های قدیم را کنار زدند یا سعی می‌کنند کنار بزنند. روند گفت‌وگوها برای حل مسائل با برخورد به مانع اسرائیلی متوقف شده است. ایران به‌دنبال راهی برای بازگشت به جامعه بین‌المللی است؛ نیروهای آمریکایی از عراق و افغانستان خارج شدند؛ چالش‌های مبارزه با تروریسم «داعش» و متحدانش، در اقصی نقاط جهان نمایان شده است. از همه اینها مهم‌تر، بهای نفت به پایین‌ترین سطح خود رسیده است و می‌رود رقابت‌های اقتصادی به حوزه‌های گاز ... کشیده شود. دورتر از شرق، دوباره دیوار بین روسیه و غرب به‌ویژه بعد از حوادث اوکراین کشیده می‌شود و تنش در دریای چین جنوبی، بین کل منطقه، چین و ایالات متحده روبه‌افزایش است.

این تحولات دیگر چیزی از تصویر گذشته باقی نمی‌گذارد. مهم‌تر اینکه برای بحران‌های یادشده گویی هیچ راه‌حلی وجود نداشته و بر وخامت‌شان افزوده می‌شود. حتی می‌رود تا فراتر از منطقه، کل جهان را درگیر کند؛ نمونه آن سیل مهاجرانی است که از خاورمیانه و شمال آفریقا به سمت اروپا سرازیر شده‌اند. اعراب با رفتن به مسکو می‌گویند می‌خواهند روابطشان را توسعه داده و بر تنوع آن بیفزایند. روشن است دیگر مانند دوران جنگ‌سرد کسی به‌دنبال بازیگری و اردوگشی نیست. نه روسیه و نه ایالات متحده آمریکا، هیچ‌کدام نمی‌گویند تمایل به بازگشت به دوران جنگ‌سرد دارند. عناصری که دوران جنگ‌سرد را تشکیل می‌دادند از بین رفته‌اند و دیگر نه در حوزه اقتصادی و نه نظامی یا ایدئولوژیک، از این‌خبرها نیست. «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا، هنگام ورود خود به کاخ سفید، گفت قصد دارد سایر دولت‌ها را هم در مدیریت امور جهانی شرکت دهد، زیرا آمریکا به‌تدریجی قادر به این کار نیست. تردیدی وجود ندارد جهان به‌دنبال آن است تا بتواند نظم بین‌المللی جدید را شکل دهد؛ همکاری کاخ سفید و کرملین در حل بحران اوکراین با خلغ سلاح شیمیایی سوریه، بهترین نمونه آن است. همکاری آنها در جریان توافق هسته‌ای با ایران و امروز در زمینه مبارزه با تروریسم، نیز نشانگر همین مسئله است. آمریکایی‌ها قصد دارند از خاورمیانه فاصله بگیرند و همان‌طور که اوکراین را به اروپا سپردند، می‌خواهند این منطقه را هم به دیگری بپسارند. دراین‌میان اعراب و کشورهای حوزه خلیج‌فارس به‌دنبال راه‌های تازه‌ای برای تمرکز نیروهای خود هستند و همکاری با روسیه نیز برای آنها در همین مسیر معنا پیدا می‌کند. آنها احساس می‌کنند روسیه، از یمن گرفته تا سوریه و عراق، در بحران‌های منطقه نقش دارد و روسیه تلاش می‌کند منابع قدرت خود را در منطقه تقویت کند. روسیه تمایل دارد اعراب را به روابط استراتژیک خود وارد کند اما نه اینکه منجر به تخریب روابطش با ایران شود، زیرا ایران همسایه نزدیک روسیه بوده و با هم در بسیاری از موارد منافع مشترک دارند. البته روشن است نگرش مسکو به تهران نسبت به گذشته فرق کرده است و نمی‌خواهد ایران مانند گذشته «پلیس» منطقه باشد و از یمن تا شام را کنترل کند. همچنین تمایل ندارد ایران دوباره متحد غرب شده یا احساس کند تا تو از جنوب هم محاصره‌اش کرده است. روسیه در درازمدت قصد دارد دوباره جایگاه و قدرت خودش را به‌دست آورد و در همین‌راستا به‌دنبال تجدید رابطه با کشورهای منطقه از مصر و اردن گرفته تا اسرائیل است که بیش از یک میلیون روسی‌تبار در آنجا زندگی می‌کنند. باین‌حال، مهم است اعراب دریابند روسیه قادر به پاسخ‌گویی به همه مطالباتشان نیست و نباید کاری کنند فردا مثل آمریکا از روسیه هم سرخورده شوند. تلاش روسیه برای بازگرداندن جایگاه گذشته‌اش با موانع متعددی مواجه است که کمترین آن، اقتصاد است. توافق هسته‌ای ایران بیش از آنکه حاصل گفت‌وگو بین ایران و شش کشور باشد، حاصل گفت‌وگوهای بین ایران و آمریکا بود. درواقع، آمریکا همچنان تاثیرگذاری بیشتری در حوزه‌های نظامی و اقتصادی جهان دارد. از این‌رو، بهتر است اعراب در برخورد با روسیه احتیاط کنند و بدون گرفتن امتیازی، امتیازی ندهند. اعراب باید پیام روشنی به روسیه بدهند؛ پیامی مبنی‌بر اینکه برای بهبود روابط باید راه را برای اجرای قطع‌نامه ۲۲۱۶ در یمن هموار کند و در سوریه به راهکار مشترکی برسند. همچنین اعراب نباید مانند گذشته به‌دنبال مواجهه مستقیم با همسایه شرقی خود بوده، یا به آمریکا پشت کنند.